



فهرست مطالب

۲	لزوم یا عدم لزوم فحص از مالک در قسم دهم.....
۲	قول اول: عدم لزوم فحص از مالک.....
۲	قول دوم: لزوم فحص.....
۲	ادله قول دوم.....
۳	دلیل ششم: حکم عقل به تفحص از مالک.....
۳	نقد دلیل: احتمال تقید حکم عقل به عدم وجود مزاحم.....
۳	دلیل هفتم: تشکیک در اطلاق روایات.....
۳	نکاتی در مورد روایات.....
۴	نکته اول: ضعف سندی غالب روایات.....
۴	نکته دوم: وجود قید در هر یک از روایات.....
۴	نکته سوم: وجوب تصدق، قدر متیقن روایات.....
۴	نظر استاد: لزوم فحص.....
۵	مقدار فحص از مالک.....
۵	قول اول: یک سال.....
۵	قول دوم: عدم وجود تحدید زمانی.....
۵	دلیل قول اول: الغاء خصوصیت از لفظه.....
۶	نقد قول اول: عدم قطعی بودن الغاء خصوصیت.....
۶	احتمالات در تحدید زمانی در مال لفظه.....
۶	نظر استاد: عدم تحدید زمانی در فحص از مالک.....



بسم الله الرحمن الرحيم

لزوم یا عدم لزوم فحص از مالک در قسم دهم

بحث در صورت سوم از اقسام اخذ جایزه از سلطان جایز می‌باشد. صورت سوم از اخذ جایزه از سلطان جور این است که علم تفصیلی به حرمت و غضبی بودن جایزه وجود دارد. این صورت نیز خود دارای اقسامی است که بررسی نه قسم آن به پایان رسید و بحث فعلی در ذیل قسم دهم می‌باشد. قسم دهم از صورت سوم این است که جایزه مجهول‌المالک باشد. در ذیل این قسم، این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان مال مجهول‌المالک را بدون فحص جایزه داد و یا اینکه فحص از مالک قبل تصدق، واجب می‌باشد؟

قول اول: عدم لزوم فحص از مالک

نظریه اول در مقام نظریه مرحوم شیخ می‌باشد و آن این است که فحص از مالک قبل از تصدق لازم نمی‌باشد. دلیل قول اول اطلاق مجموعه روایاتی است که در مال مجهول‌المالکی که لقطه نمی‌باشد، امر به تصدق کرده‌اند بدون اینکه اشاره به لزوم یا عدم لزوم فحص کنند. در کتاب مصباح الفقاهه به این روایات اشاره شده است.

قول دوم: لزوم فحص

نظریه دوم در مقام لزوم فحص از مالک می‌باشد.

ادله قول دوم

در جلسه قبل وجوه و دلایلی که در مقابل اطلاق روایات اقامه شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و نقد شد.



دلیل ششم: حکم عقل به تفحص از مالک

مرحوم امام خمینی در مکاسب محرمه وجه و دلیل ششمی بر لزوم فحص اقامه کرده‌اند و آن وجه این است که در مقام، حکم عقل به لزوم فحص از مالک که حکم شرع هم هست، وجود دارد و این حکم عقل مانع از تحقق و انعقاد اطلاق در روایات می‌شود. این دلیل شاید به وجهی به همان دلیل انصراف بازگردد اما چون حضرت امام به عنوان حکم عقل از آن تعبیر کردند به طور جداگانه ذکر شد.

نقد دلیل: احتمال تقید حکم عقل به عدم وجود مزاحم

این فرمایش حضرت امام تام نیست چون چه بسا مصلحت و یا مفسدهای در مقام بحث که اخذ جایزه از حاکم جایز است، وجود داشته باشد و به همین دلیل در این روایات به طور مطلق حکم تصدق شده است و فحص را لازم نشده است و به عبارتی اطمینان به وجود این حکم نهایی عقلی وجود ندارد و به عبارتی دقیق‌تر این حکم مستقل عقلی وجوب فحص از مالک مطلق نیست بلکه مقید به عدم وجود مزاحم می‌باشد و چه بسا آن روایات به خاطر وجود مزاحمی برای حکم عقل حکم به تصدق به طور مطلق کرده‌اند. لذا نمی‌توان به این حکم عقلی ادعاشده، تمسک کرد.

دلیل هفتم: تشکیک در اطلاق روایات

همان‌طور که مشخص شد به نظر ما وجوه و ادله‌ای که تاکنون ذکر شد در مقابل اطلاق روایات که قول اول به آن‌ها تمسک کرده بود، توان مقابله نداشت و نتوانست نظریه لزوم فحص را اثبات کند اما به عقیده ما وجه و دلیل هفتمی وجود دارد که نظریه لزوم فحص قبل از تصدق را اثبات می‌کند و آن دلیل این است که به‌طور کلی روایات ذکر شده اطلاق ندارند.

نکاتی در مورد روایات

به خاطر وجود علل و نکاتی که در ادامه ذکر می‌شود، نمی‌توان اطلاق روایات مطرح شده در دلیل قائلین به عدم لزوم فحص را پذیرفت.



نکته اول: ضعف سندی غالب روایات

یکی از دلایلی که باعث می‌شود اطلاق روایات پذیرفته نشود این است که غالب این روایات به لحاظ سندی معتبر نیستند و تنها شاید آخرین روایت ذکر شده معتبر باشد و بنا بر مبنای ما در استفاضه و جمع احادیث تنها می‌توان مجموع روایات را فی الجمله پذیرفت که با پذیرش فی الجمله اطلاق ثابت نمی‌شود.

نکته دوم: وجود قید در هر یک از روایات

علت و نکته دومی که مانع پذیرش اطلاق روایات می‌شود این است که چه آن روایاتی که معتبر می‌باشند و چه آن روایاتی که معتبر نمی‌باشند هر یک از این روایات ناظر به فرضی است که سائل از امام پرسیده است و هر کدام از این روایات دارای خصوصیات و قیودی می‌باشد و اطلاق ندارند و به گونه‌ای نیستند که بتوان قاعده کلی از آنها استنباط کرد.

نکته سوم: وجوب تصدق، قدر متیقن روایات

نکته سومی که در مورد این روایات وجود دارد این است که اگر این روایات فی الجمله پذیرفته شود تنها می‌توان اصل وجوب تصدق مال مجهول‌المالک در مواردی که امکان فحص نیست یا فحص شده است پذیرفته شود و این اصل وجوب تصدق در این موارد قدر متیقن از روایات می‌باشد و اطلاقی وجود ندارد.

نظر استاد: لزوم فحص

بنابراین با توجه به وجه و دلیل هفتم، روایات دال بر وجوب تصدق اطلاقی ندارند تا بخواهیم آن‌ها را مقید به بعد از فحص کنیم و تنها شاید بتوان روایت یونس بن عبدالرحمن و یا صحیحہ معاویه بن وهب را در موارد مشابه آن تعمیم داد. پس فحص قبل از تصدق واجب است به‌ویژه با توجه به برخی ارتکازات عقلایی که در مواردی که می‌توان فحص کرد و احتمال پیدا شدن مالک وجود دارد، فحص را لازم می‌داند. آری اگر در مواردی اطمینان یا علم به عدم وجود فایده در فحص وجود داشت، فحص لازم نیست و می‌توان قبل از فحص آن مال را صدقه داد.



مقدار فحوص از مالک

بعد از اینکه پذیرفتیم در مال مجهول‌المالک فحوص از مالک لازم است و بعد از فحوص باید مال را صدقه داد فرع و بحث دیگری در ذیل این بحث مطرح می‌شود و آن این است که مقدار فحوص چه قدر است یکی از عللی که موجب شده این سؤال طرح شود این است که در مال لقطه شارع برای فحوص، زمان یک سال را مطرح کرده است.

قول اول: یک سال

قول اول در مقدار زمان فحوص در مال مجهول‌المالک، همان مقدار زمان فحوص در مال لقطه که یک سال است، می‌باشد و همان غایتی که در مال لقطه وجود دارد در مال مجهول‌المالک غیر لقطه هم وجود دارد و بعد از فحوص به مدت یک سال می‌توان مال را صدقه داد.

قول دوم: عدم وجود تحدید زمانی

قول دوم در مقدار زمان فحوص این است که در مال مجهول‌المالک غیر لقطه برای فحوص مدت زمان خاصی وجود ندارد بلکه غایت فحوص اطمینان عرفی به عدم وصول به مالک می‌باشد که این اطمینان با توجه به مکان و شرایط متفاوت می‌باشد و بعد از حصول اطمینان می‌توان مال را صدقه داد.

دلیل قول اول: الغاء خصوصیت از لقطه

قول اول که برای فحوص قائل به مدت زمان یک ساله می‌شود، مبتنی بر الغاء خصوصیت از لقطه می‌باشد و قائلین به این قول می‌گویند همان چیزی که باعث تحدید مدت زمان یک ساله در مال لقطه که تعبدی هم می‌باشد، شده است در مال مجهول‌المالک هم وجود دارد و از این حیث تفاوتی بین آنها نیست.



نقد قول اول: عدم قطعی بودن الغاء خصوصیت

نقدی که به دلیل قول اول وارد است این است که الغاء خصوصیت باید قطعی و اطمینانی باشد و این قطع و اطمینان در محل بحث وجود ندارد و علت آن هم این است که اصل و قاعده بر عدم تحدید زمانی می باشد و تحدید زمانی در مال لقطه تعبدی می باشد و ممکن است به خاطر وجود مصالحی در مال لقطه باشد که به آن ها احاطه نداشته باشیم. با توجه به این مطلب تسری تحدید زمانی در لقطه به غیر باب لقطه قیاس می باشد و قیاس نیز باطل است.

احتمالات در تحدید زمانی در مال لقطه

البته در مورد تحدید زمانی یک ساله در لقطه احتمالاتی وجود دارد که به طور اختصار به آن اشاره می کنیم.

۱. احتمال اول این است تحدید زمانی یک ساله نشانه ای از یأس در ازمنه قدیم بوده است.
 ۲. احتمال دوم این است تحدید زمانی در لقطه امری تعبدی و در طرف اکثر می باشد به این معنا که تا یک سال نمی تواند آن مال را صدقه بدهد و تصرفی از قبیل صدقه دادن در آن مال انجام دهد و بعد از یک سال هم مادامی که اطمینان به عدم وصول پیدا نکند، نمی تواند صدقه بدهد بلکه باید صبر کند تا اطمینان به عدم وصول پیدا کند.
 ۳. احتمال سوم این است که این تحدید زمانی در صورت شک به وصول به می باشد و الا اگر از همان ابتدا اطمینان به عدم وصول داشت می تواند آن را صدقه بدهد.
- به نظر ما صحت احتمال سوم بعید نمی باشد.

نظر استاد: عدم تحدید زمانی در فحص از مالک

علی القاعده وقتی قول اول که تحدید زمانی یک ساله را قائل بود پذیرفته نشد، قول دوم که عدم وجود تحدید زمانی است پذیرفته می شود و غایت فحص مقداری است که عرفاً یأس از وصول به مالک پیدا شود. البته این بحث تکمله ای دارد که در جلسه بعدی مطرح می شود.



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت: ۳۵۲۹
